



سوسیال دموکراسی آقای

بررسی دیدگاه‌ها، برنامه‌ها و موانع پیش‌رو



محمدحسین لطف‌الهی

خبرنگار بین‌الملل

پیروزی شگفت‌انگیز و تاریخی زهران ممدانی در انتخابات شهرداری نیویورک موجی از واکنش‌ها را در سراسر جهان به دنبال داشت. رسانه‌ها به اولین‌هایی که در پی این پیروزی رقم خورده بود می‌پرداختند: اولین شهردار مسلمان نیویورک، جوان‌ترین شهردار نیویورک در یک سده گذشته یا اولین شهردار متولد آفریقا.

شبکه‌های اجتماعی نیز به میدان تقابل دوست‌داران و دشمنان ممدانی و تفکراتش بدل شده بود.

با این حال، یکی از مهم‌ترین و گیراترین تصاویری که در پی این پیروزی ساخته شد، نقشه آرای تفکیکی شهر بود. این نقشه به وضوح نشان می‌داد که چگونه می‌توان میان حمایت نیویورکی‌ها از ممدانی یا اصلی‌ترین رقیب او، یعنی اندرو کومو، با طبقه اقتصادی و میزان اجاره‌بهای پرداختی آن‌ها نسبتی مستقیم برقرار کرد. محله‌ها و خیابان‌هایی که سکونتگاه طبقات کم‌درآمد بود به‌طور قاطع از ممدانی حمایت کرده بودند و در مقابل، ثروتمندان و طبقات مرفه با حمایت از کومو تلاش داشتند که او را بر کرسی شهرداری نیویورک بنشانند.

برای دموکرات‌ها این انتخابات یک نقطه عطف بود. آن‌ها توانسته بودند بیش از هر زمان دیگری، واجدان شرایط را پای صندوق‌های رای بکشانند. زهران ممدانی، کاندیدای دموکرات به نخستین کاندیدایی تبدیل شده بود که از سال ۱۹۶۹ به این سو موفق می‌شد در انتخابات شهرداری این شهر بیش از یک میلیون رای کسب کند. اندرو کومو، دموکرات سابق و کاندیدای مستقل فعلی هم به‌رغم شکست، از هر کاندیدای پیروز دیگری که از ۱۹۹۳ به این سو بر کرسی شهرداری نیویورک تکیه زده بود، رای بیشتری کسب کرد.

اما آیا این پیروزی، می‌تواند به الگویی برای دموکرات‌ها تبدیل شود تا بتوانند شکست‌های سنگین سال ۲۰۲۴ را جبران کنند؟ در این گزارش، وعده‌ها و سیاست‌های پیشنهادی ممدانی و شخصیت او، موانع پیش‌روی شهردار منتخب نیویورک و امکان تعمیم‌پذیری الگوی پیروزی یک دموکرات چپ‌گرا در نیویوک به سطح ملی را مرور خواهیم کرد.

▼ سوسیال دموکرات جوان

زهران ممدانی در انتخابات شهرداری نیویورک کاندیدای حزب دموکرات بود. مخالفانش او را «کمونیست» می‌خوانند اما ممدانی با افتخار خود را یک «سوسیال دموکرات» معرفی می‌کند. شهردار منتخب نیویورک در مواجهه با تلاش‌ها برای برچسب‌زنی کمونیستی، تعریفی متمایز از ایدئولوژی خود ارائه می‌دهد که به گفته او ریشه در توجه به «کرامت انسانی» و «عدالت اقتصادی» دارد.

در طول کارزار انتخاباتی ممدانی، بارها از او درباره تفکراتش سوال شد. او در یکی از گفت‌وگوها، در پاسخ به این سوال که آیا سرمایه‌داری را می‌پسندد، صراحتاً پاسخ «نه» داد و گفت: «من تئودهای بسیاری به سرمایه‌داری وارد می‌دانم.» او تعریف خود از سوسیال دموکراسی را با نقل قولی از مارتین لوتر کینگ مطرح کرد و افزود: «دکتر کینگ دهه‌ها پیش گفت، نامش را دموکراسی یا سوسیال دموکراسی یا هر چه می‌خواهید بگذارید، باید توزیع بهتری از ثروت برای همه فرزندان خدا در این کشور وجود داشته باشد.»

ممدانی معتقد است سیاستمداران فعلی نقش مهمی در نابرابری‌ها به‌ویژه نابرابری درآمدی دارند و نه یک «تماشاگر» بلکه «بازیگر» و عامل اصلی وضع موجود اقتصاد هستند.

شهردار منتخب نیویورک، در ویدئویی دیگر نیز که برای تبیین دیدگاه‌هایش ضبط شده بود، سوسیالیسم را «تعهد به کرامت» تعریف کرد: تعهدی که دولت را موظف می‌کند هر آنچه برای زندگی شرافتمندانه مردم لازم است، از جمله سه‌رکن اصلی مسکن، مراقبت‌های بهداشتی و آموزش، فراهم آورد.

از نظر فکری، ممدانی خود را وام‌دار چهره‌هایی چون مارتین لوتر کینگ و یوجین دبز معرفی می‌کند. او حتی سخنرانی پیروزی خود را با نقل قولی از دبز آغاز کرد: «من طلوع روزی بهتر برای بشریت را می‌بینم.» این جمله‌ای بود که دبز پس از محکومیتش به دلیل نقض قانون دوران جنگ جهانی اول (مداخله در سربازگیری) در دادگاه بیان کرد.

یوجین دبز، به عنوان یک سوسیالیست، صراحتاً معتقد بود که «ملت باید مالک و کنترل‌کننده صنایع خود باشد» و «همه‌ی



نتیجه سفر ترامپ به آسیا؟

اشتقاق دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، برای دیپلماسی دو جانبه در سفر هفته گذشته‌اش به آسیا همانند بیزاری او از دیپلماسی صورانه در نشست‌های چند جانبه کاملاً آشکار بود. رهبران آسیایی که با او ملاقات کردند، برای این وضعیت آماده بودند و با موفقیت از این فرصت برای جلب نظر رئیس‌جمهور استفاده کردند.

با این حال، تردید عمیقی درباره قابل اتکا بودن موضع امنیتی آمریکا در آسیا باقی مانده است؛ تردیدی که با سبک دیپلماسی بسیار شخصی‌سازی شده و «اول آمریکا» ترامپ تشدید می‌شود. علاوه بر این، اگر چه روابط آمریکا و چین پس از دیدار ترامپ و شی جین‌پینگ در کره جنوبی تثبیت شده، اما این دو ابر قدرت همچنان در مسیر برخورد در آسیا قرار دارند.

البته وقتی نوبت به اهداف دفاعی آمریکا در منطقه می‌رسد، تمام این تردیدها لزوماً پدید نمی‌آیند. هدف استراتژیک کلیدی واشنگتن، تشویق متحدان منطقه‌ای‌اش به هزینه بیشتر برای دفاع از خودشان است و به نظر می‌رسد آن‌ها در حال پذیرش این خواسته‌اند. لی جانسه میونگ، رئیس‌جمهور کره جنوبی، متعهد شده است که بودجه دفاعی خود را ۲/۸ درصد افزایش دهد و سنانائه تاکاچی، نخست‌وزیر جدید ژاپن، اعلام کرده که این کشور زودتر از موعد به هدف ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی برای هزینه‌های دفاعی خواهد رسید.

بنابراین، ایالات متحده در حال دنبال کردن یک سیاست موازنه‌گرانه ظریف است. از یک سو، به تقویت شتاب‌زده توان دفاعی در کشورهایی کمک می‌کند که می‌توانند به‌بازدارندگی چین کمک کنند؛ و از سوی دیگر، این خطر را می‌پذیرد که ناخواسته ادعای چین مبنی بر اینکه حضور باثبات‌تری در منطقه دارد را تقویت کند.

شواهد حاصل از سفر اخیر ترامپ نشان می‌دهد که این رویکرد آمریکا در قبال منطقه «در حال نتیجه‌دادن» است، اما «هزینه‌هایی» نیز در بر دارد و دولت آمریکا با این خطر مواجه است که درس‌های اشتباهی درباره استفاده از متحدان محلی برای ایجاد موازنه در برابر حضور چین بیاموزد.

ترامپ با شی جین‌پینگ دیدار کرد تا به وخامت روابط دو کشور پایان داده و آن را تثبیت کند. او یک «آتش‌بس جنگ تجاری» اعلام کرد که شامل تعهد چین برای متوقف کردن کنترل صادرات مواد معدنی کمیاب به مدت یک سال بود. سناریوی محتمل، تداوم «چرخه‌ای از تنش‌زایی و تنش‌زدایی» در رقابت آمریکا و چین است.

کشورهای آسیایی به خاطر این آتش‌بس و سطح تعامل آمریکا در طول سفر ترامپ، نفس راحتی کشیدند. اما چشم‌انداز میان مدت، آینده‌ای نامشخص را نشان می‌دهد: از جمله اینکه آمریکا چگونه نقش خود را در آسیا بازتعریف خواهد کرد.

«استراتژی دفاع ملی» (NDS) آتی آمریکا می‌تواند بخشی از این عدم قطعیت را برطرف کند یا آن را تشدید نماید. انتظار می‌رود این استراتژی، بخشی از توجه نظامی آمریکا را به سمت اهداف «اول آمریکا» یعنی دفاع از میهن و اولویت دادن به نیمکره غربی، تغییر جهت دهد. اقدام نظامی یکجانبه اخیر آمریکا علیه قایق‌های حامل مواد مخدر و استقرار یک گروه رزمی ناو هواپیمابر برای فشار بر دولت ونزوئلا، نشان می‌دهد که این تغییر جهت ممکن است چه معنایی داشته باشد.

مناطقی که احتمالاً شاهد کاهش حضور نظامی آمریکا خواهند بود شامل اروپا و خاور میانه است. اینکه آسیادقیقاً در کجای این تصویر قرار می‌گیرد، نامشخص است. بر اساس بیانیه‌ای در ماه مه، وزارت جنگ آمریکا «دفاع از میهن، شامل آسمان‌ها و مرزهای آمریکا، و بازدارندگی چین در هند-اقیانوسیه را در اولویت قرار خواهد داد.» چالش کلیدی این است که در آسیا هیچ ساختار اتحادی شبیه به ناتو وجود ندارد و آمریکا تنها محور اتصال‌دهنده گروه نامتجانسی از کشورها باقی مانده است. هر کدام از این کشورها دیدگاه متفاوتی نسبت به چین دارند و بسیاری از آن‌ها پکن را به عنوان یک تهدید وجودی یا نگرانی امنیتی اصلی خود نمی‌بینند. اینکه آیا سفر ترامپ پیش‌درآمدی برای دیپلماسی فعال‌تر آمریکا در منطقه است یا خیر، هنوز مشخص نیست. این اولین سفر یک رئیس‌جمهور آمریکا به آسیا از سال ۲۰۲۳ بود. از آن زمان، آسیا از برنامه‌های سفر رؤسای جمهور آمریکا کنار گذاشته شده بود. در این مدت، چین با بهره‌برداری از گام‌های اشتباه آمریکا، اعتبار خود را در میان کشورهای آسیایی تقویت کرده است. پکن خود را به عنوان الگویی از ثبات و یک شریک تجاری و سرمایه‌گذاری قابل اتکا، در تضاد کامل با سیاست تجاری ته‌جیمی جدید آمریکا، معرفی کرده است.